

الوین پلاتینگا



اجابت دعا و معجزات الهی با قوانین فیزیک
بخصوص مکانیک کوانتومی سازگاری دارند!

اجابت دعا و معجزات الهی با قوانین فیزیک

بخصوص مکانیک کوانتومی سازگاری دارند!

مجری: آلوین، بعضی از آتئیست‌ها این واقعیت را مطرح می‌کنند که اگر خداوند، غیر مادی و جهان ما مادی است، غیر منطقی است که خداوند بتواند تاثیری بر جهان داشته باشد، دخالت او باعث انواع مشکلات برای بقاء انرژی و ماده می‌شود و این غیر ممکن است.

الهیون نیز با این مسئله دست به گریبانند که مکانیسمی که خداوند می‌تواند برای دخالت در امور استفاده کند چیست؟ و این امور از مکانیک کوانتومی، تا نظریه آشوب را در بر می‌گیرد. نظر شما چیست؟

الوین پلانتینگا: تعداد زیادی از مردم و تعداد زیادی از حکمای الهی، استدلال کرده‌اند که خداوند نمی‌تواند به‌طور خاص [یعنی خارج از قوانین طبیعت] بر جهان تاثیر داشته باشد. منظورم این است که خلقت وجود دارد. خداوند جهان را با هیچ مشکلی خلق می‌کند.

یک خدای مهیمن و باقی، نگهدارنده جهان و حافظ آن است. اگر شما منکر آن شوید، اگر او از حفظ جهان خودداری کند، جهان به سادگی ناپدید می‌شود.

این، بخشی از باور مسیحی، یهودی و مسلمان است. ایمان به این عقیده که خداوند چیزهایی فراتر از جهان انجام می‌دهد. منظورم این است که او شاید دعاها را اجابت می‌کند. یا معجزاتی هم انجام می‌دهد، عبور موسی از دریای سرخ و دیوارهای بلند آب به‌طوری‌که در بین آنها مسیر خشک ایجاد شد.

عیسی مسیح، مرده را زنده کرد و جذامیان را شفا داد. معجزات، اعمال ویژه و خاص خداوند در جهان هستند. تعداد زیادی از مردم استدلال کرده‌اند که باتوجه به دوام خلقت، این فعل خاص خداوند نمی‌تواند اتفاق بیفتد. چرا؟ زیرا آن با علم ناسازگاری دارد. علم درباره این قوانین مطالبی دارد. قوانینی مانند قانون بقاء انرژی.

منظورم این است که اگر خداوند اراده کند که یک اسب بالغ در وسط محوطه [دانشگاه] نوتردام قرار دهد، همه قوانین بقاء را نقض می‌کند.

بقاء، انرژی، بقاء مومنتوم، بقاء مومنتوم زاویه‌ای و...

همه نقض می‌شوند. خداوند قوانین را نقض خواهد کرد.

در مقابلِ قوانین قرار خواهد گرفت. اما به نظر من، این صحیح نیست.

من فکر می‌کنم این حکمای الهی در این جا اشتباه می‌کنند. اگر شما با دقت به هر کتاب فیزیک نگاه بکنید، قوانین بقاء از قوانین نیوتن استنتاج می‌شوند و قوانین بقاء به مانند قوانین نیوتن، برای سیستم‌های بسته برقرارند. سیستم‌هایی که در آن‌ها هیچ نوع انرژی‌ای وارد یا خارج نشود. آن‌ها باید سیستم‌های بسته باشند. بنابراین آنچه این قوانین می‌گویند درباره یک سیستم بسته است. اما البته اگر خداوند یک اسب را درست در وسط محوطه نوتردام خلق می‌کرد، پس، سیستمی که آن را شامل می‌شود، یک سیستم بسته نخواهد بود. بنابراین به دلیل این‌که این سیستم، این نفوذ انرژی را از بیرون خواهد داشت، خداوند این اسب را خلق می‌کند. بنابراین این کار هیچ قانونی را نقض نمی‌کند.

قوانینی که در هر سیستم بسته می‌گوید چنین و چنان است و این سیستم مورد بحث بسته نیست.

مجری: اما جهان، کلاً یک سیستم بسته است.

اما این [ادعا] ربطی به فیزیک ندارد.

الوین پلانکینگا: ممکن است باشد، ممکن است نباشد.

من می‌گویم که این موضوع مربوط به بحث خداشناسی است. جهان مادی به عنوان یک کل، بسته است. اگر خداوند فعل و اقدامی انجام دهد آن [بسته] نیست. آن مربوط به فیزیک نیست که بگوییم خداوند فعلی در جهان انجام نمی‌دهد. این یک حقیقت فیزیکی نیست، یک ادعای فیزیکی نیست، آن، یک ادعای خداشناختی و دینی است.

مجری: به موضوع اسب و نوتردام برگردیم.

آیا معنای آن این است که اکنون ۱۰ به توان ۲۰ مولکول، اتم‌های آن، به دلیل تشکیل این اسب در جهان ایجاد شده است؟

الوین پلانتینگا: بله درست است. به شرطی که خداوند، چیزی را در جای دیگری کم نکرده باشد. در این جا ماده بیشتری خواهد بود.

مجری: او می تواند به هر دو طریق این کار را انجام دهد. او می تواند در این جا مقداری اتم اضافه کند یا او می تواند مقداری اتم از مکان های دیگر به این جا منتقل کند.

شما نوع آن را متوجه نخواهید شد.

الوین پلانتینگا: بله ممکن است.

مجری: اما آن نیاز به مقداری انرژی اضافی برای انجام آن دارد.

الوین پلانترینگا: به نظر من این هم برای هر دو طریق مشکلی ایجاد نمی‌کند. وقتی شما جهان را به عنوان یک سیستم بسته در نظر نمی‌گیرید. در یک مورد بقاء انرژی برقرار خواهد بود و در مورد دیگر برقرار نخواهد بود. در این مورد افزایش انرژی جدید وجود خواهد داشت. اما در هر دو حالت جهان بسته نخواهد بود، زیرا این تأثیر بیرونی وجود خواهد داشت.

اما نکته اصلی این است که قوانین نیوتن با قوانین مکانیک کوانتومی هیچ‌کدام از این قوانین دخالت خداوند در امور را منع نمی‌کنند. زیرا همان‌طور که گفتم آن‌ها به نحوی بیان می‌شوند که، برای سیستم‌های بسته بکار می‌روند و اگر خداوند به‌طور خاص فعلی در جهان انجام دهد، جهان یعنی کل سیستم‌ها در سطحی که عمل می‌کنند بسته نخواهند بود. همین.

مجری: منظور من این است. زیرا موقعی که خداوند آن را انجام می‌دهد، سیستم بسته، به سیستم باز تبدیل می‌شود.

الوین پلانتینگا: آنچه که او انجام می‌دهد وضعیتی است که سیستم بسته نیست. من تصور می‌کنم که این نگرانی ناشی از یک اشتباه است. منظورم این است که این اشتباه به بخشی از حکمای الهی مربوط می‌شود. من علاقه‌ای به نقد حکمای الهی ندارم. منظورم این است که به نظر من آنان فوق‌العاده‌اند. اما تعدادی از حکمای الهی درباره این‌که افکارشان غیر علمی، یا غیر مدرن، یا قدیمی، یا مشابه آن تلقی شود نگرانند. بنابراین گاهی اوقات آنان در آن جهت جلوتر حرکت می‌کنند. و آن واقعا ضرورتی ندارد. منظورم این است که از بعضی جهات آن‌ها تلاش می‌کنند که کاتولیک‌تر از پاپ باشند که این به گمان من افراط است. آنچه که گفته شد مربوط به مکانیک کلاسیک است،

نه مکانیک کوانتومی. مکانیک کوانتومی تحول بزرگی از روش نیوتنی نگرش به جهان، محسوب می‌شود.

در این‌جا حتی دلیل کمتری وجود دارد که تصور کنیم فعل خاص خداوند در جهان، قوانین فیزیک و قوانین مکانیک کوانتومی را نقض خواهند کرد.

تا آنجا که به مکانیک کوانتومی مربوط می‌شود. تعداد زیادی، تعداد وسیعی از چیزها امکان پذیر است که با قوانین مکانیک کوانتومی سازگاری داشته باشد. در خارج از اینجا در جلوی کتابخانه، مجسمه هسبورگ (رئیس اسبق دانشگاه نوتردام) و یکی از دوستان او وجود دارد. این با قوانین مکانیک کوانتومی سازگاری دارد که آنان از پایه مجسمه خود پایین بیایند و شروع به راه رفتن کنند. بسیار غیر محتمل است اما با مکانیک کوانتومی سازگاری دارد. مکانیک کوانتومی برای امکانات گوناگون احتمالاتی را تعیین می‌کند. هرکدام از این احتمالاتی را که تعیین می‌کند احتمال چیزهایی هستند که با قوانین مکانیک کوانتومی سازگاری دارند. زنده شدن مردگان، راه رفتن روی آب، جدا شدن آب دریای سرخ و... با مکانیک کوانتومی ناسازگاری ندارند.

مجری: آیا می‌توان پرسید که در چه سطحی از جهان فیزیکی خداوند این مداخلات خاص را انجام می‌دهد، منظورم این است که در سطح کوانتومی یا بنیادی‌تر از مکانیک کوانتومی که ممکن است نظریه ریسمان یا هر چیز دیگری باشد و سطوح بالاتر مانند نظریه آشوب و در روش کل انگاری (بوهم)، آیا این موضوعی هست که ارزش تحقیق داشتن باشد.

الوین پلانترینگا: من گمان می‌کنم که این مطمئناً ارزش تحقیق دارد. و اگر شما بپرسید که خداوند چه‌طور این کار را انجام می‌دهد، البته یک پاسخ آن این است که خداوند آن را صرفاً با اراده خود انجام می‌دهد. خداوند اراده می‌کند که یک اسب در محوطه پدیدار شود. پس آن ایجاد می‌شود. این به دلیل اراده خداوند اتفاق می‌افتد. او علت هرکاری است که انجام می‌دهد. او به علت اراده به اینکه کارها به این طریق انجام شود، تصمیم‌گیری می‌کند.

اما راهی وجود دارد که خداوند ممکن است به‌طور خاص در همه زمان‌ها در جهان عمل کند.

به نظر من، آن ارزش تفکر و ارزش تحقیق دارد. و آن همچنین شامل مکانیک کوانتومی که به آن اشاره خواهم کرد می‌شود. من در کل یک متخصص نیستم.

منظورم این است که مکانیک کوانتومی به اندازه خیلی زیادی اسرارآمیز است. آن برای من بسیار اسرارآمیز است. تعابیر مختلفی از مکانیک کوانتومی وجود دارد. یکی از آن‌ها تعبیر متلاشی شدن تابع موج است. تعبیر کپنهاگی اولیه، تعبیر تقلیل موج بود. و امروزه هم وجود دارد.

ایده اصلی این تعبیر آن است که برای هر سیستمی از ذرات، یک ذره منفرد یا مجموعه‌ای از ذرات یک تابع موج وجود دارد که تابع موج حاوی اطلاعاتی در مورد سیستم است.

مثلاً این‌که آرایش سیستم بعد از ۱۰ ثانیه چگونه خواهد بود. آن به ما نمی‌گوید که دقیقاً سیستم چگونه خواهد بود. تابع موج فقط برای امکانات مختلف، یعنی آرایش‌های مختلف بعد از ۱۰ ثانیه، احتمالات را تعیین می‌کند. شاید مقداری که برای یک وضعیت به دست می‌آید ۰.۱ باشد.

شاید این احتمال ۰.۰۲ یا یک عدد بزرگتر باشد. بنابراین احتمالات مختلفی وجود دارد. برای هر کدام از امکانات، احتمالات معینی وجود دارد. مطابق این تعبیر مکانیک کوانتومی.

هر زمانی که اندازه‌گیری انجام دهید و شما بگویید که می‌خواهید بفهمید این الکترون آیا در یک نقطه مشخص هست یا نه، تابع موج به یک امکان معین از همه امکاناتی که داشته است متلاشی می‌شود که آن را احتمالات تعیین می‌کنند. این تقلیل تابع موج به یک حالت معین، مطابق این نظریه، هیچ علت فیزیکی ندارد.

حداقل شما می‌توانید به اموری فکر کنید که در سطح کوانتومی اتفاق می‌افتند و تعیین می‌کنند که چیزها در سطح ماکروسکوپی چگونه اتفاق بیفتند.

او ممکن است جوهرهای دیگری نیز از ما خلق کرده باشد. مثلاً اگر دوگانگی (ماده و روح) درست باشد. ما مانند خداوند دارای جوهر غیرمادی یا روح هستیم.

شاید روشی که ما می‌توانیم عمل کنیم و باعث تقلیل تابع موج شویم، همین باشد.

آیا متلاشی شدن تابع موج در مورد انسان نیز صادق است. شاید ما بتوانیم آن را در یک سطح خیلی محدود، شاید در حد مغزمان یا بخش‌هایی از مغزمان یا چیزی شبیه آن انجام دهیم.

ما می‌توانیم علت چیزهایی باشیم که در مغزمان اتفاق می‌افتد. ما به‌عنوان یک جوهر غیر مادی می‌توانیم علت چیزهایی باشیم که در مغزمان اتفاق می‌افتد و به موجب این، ما عامل رفتار جسم‌مان به طریق معینی باشیم.

من می‌توانم دستم را بالا ببرم و برخیزم و در طول اتاق قدم بزنم و...

حداقل شما می‌توانید به اموری فکر کنید که در سطح کوانتومی اتفاق می‌افتند و تعیین می‌کنند که چیزها در سطح ماکروسکوپی چگونه اتفاق بیفتند.

او ممکن است جوهرهای دیگری نیز از ما خلق کرده باشد. مثلاً اگر دوگانگی (ماده و روح) درست باشد. ما مانند خداوند دارای جوهر غیرمادی یا روح هستیم.

شاید روشی که ما می‌توانیم عمل کنیم و باعث تقلیل تابع موج شویم، همین باشد.

آیا متلاشی شدن تابع موج در مورد انسان نیز صادق است. شاید ما بتوانیم آن را در یک سطح خیلی محدود، شاید در حد مغزمان یا بخش‌هایی از مغزمان یا چیزی شبیه آن انجام دهیم.

ما می‌توانیم علت چیزهایی باشیم که در مغزمان اتفاق می‌افتد. ما به‌عنوان یک جوهر غیر مادی می‌توانیم علت چیزهایی باشیم که در مغزمان اتفاق می‌افتد و به موجب این، ما عامل رفتار جسممان به طریق معینی باشیم.

من می‌توانم دستم را بالا ببرم و برخیزم و در طول اتاق قدم بزنم و...



@aparat.com/be
_sooye_zohoor



v_bagherpour_
kashani



@seratehagh1



besouyezohour



bagherpour-
kashani.com/



@serat12k



youtube.
com/c/seratehagh



https:
//naakhodaa.ir